



تقریر درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی دامت برکته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۷	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۱۰
عنوان ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری				
عنوان ۲	عدل سیاسی				
عنوان ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی				
عنوان ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن				
عنوان ۵	حق چهارم: حق تملک و ثبات مالکیت				
عنوان ۶	بحث سوم: حق تملک بانوان				
عنوان ۷	بخش دوم: اختیار تصرف بانوان در اموال خود				

بحث ما در روایاتی بود که دلالت بر سلطه کامل بانوان بر اموال خویش داشت. چهار دسته از این روایات را در جلسه پیش مورد بحث قرار دادیم که آخرین دسته که دسته چهارم بود روایاتی بود که در جواز تصرف زن در مال خود حتی بدون رضایت شوهر دلالت داشت که روایت امامه در صحیحہ حلبی را مطرح کردیم.

بحث امروز در دسته پنجم است که آیات و روایاتی است که دال بر جواز اخذ اجرت زن از شوهر در ازای ارضاع ولد وارد شده است که می توان از این روایات تعمیم جواز اخذ اجرت بر کل خدمتی که در بیت شوهر انجام می دهد نیز استفاده نمود. آیه ششم از سوره طلاق بر این مطلب صراحت دارد که می فرماید:

﴿فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِن أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَنْتُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاَسَرْتُمُ فَسَتَرْضِعُهُنَّ لَهُنَّ الْآخِرَىٰ﴾؛

نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند؛ و اگر برای شما [فرزند را] شیر می دهند، پاداش آنها را بپردازید؛ و [درباره فرزندان، کار را] با مشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می گیرد.

آیه اطلاق دارد و از آیه استفاده حکم در خصوص زن مطلقه نمی شود.

علاوه بر این در روایات نیز تأکید بر این مطلب شده است که به برخی از باب نمونه اشاره می کنیم:

عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ^۱ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي رَجُلٍ تُؤَيِّفِي وَتَرَكَ صَبِيًّا فَاسْتَرْضِعَ لَهُ قَالَ أَجْرُ رَضَاعِ الصَّبِيِّ مِمَّا يَرِثُ مِنْ أَبِيهِ وَأُمِّهِ»^۲؛

این روایت که می فرماید: «فَاسْتَرْضِعَ» ظهور دارد در اینکه برای آن فرزند، رضیعه ای غیر از خود مادر گرفتند لکن از روایت دیگر این می توان استفاده کرد که برای خود مادر نیز این اجرت وجود دارد [مانند روایت صحیحۀ ذیل:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ مَاتَ وَتَرَكَ امْرَأَةً وَمَعَهَا مِنْهُ وَلَدٌ فَالْقَتْنَةُ عَلَى خَادِمِ لَهَا فَأَرْضَعَتْهُ ثُمَّ جَاءَتْ تَطْلُبُ رَضَاعَ الْغُلَامِ مِنَ الْوَصِيِّ. فَقَالَ لَهَا أَجْرٌ مِثْلَهَا وَلَيْسَ لِلْوَصِيِّ أَنْ يُخْرِجَهُ مِنْ حَجْرِهَا حَتَّى يُدْرِكَ وَيُدْفَعَ إِلَيْهِ مَالُهُ»^۳؛

در این روایت، مادر، رضاع بچه را به خادم خود یعنی برده خود ارجاع داده و از وصی پدر تقاضای اجرت کرده است. که این اجرت، برای خود مادر است نه برای خادم او. از این روایت استفاده می شود که مادر می تواند در ازای رضاع ولد تقاضای اجرت کند و فتوای فقها هم چنین است.

دسته ششم روایاتی است که دلالت بر جواز کسب زن و دریافت سود دارد بدون توقف بر اذن زوج. در این زمینه روایات متعددی در ابواب متعدد بیان وارد شده است که باب هفدهم از ابواب «ما یکتسب به» در کتاب وسائل مربوط به این بحث است که ما برای نمونه به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

وَعَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَنَافِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «وَسُئِلَ عَنْ كَسْبِ النَّائِحَةِ فَقَالَ تَسْتَجِلُّهُ بِضَرْبِ إِحْدَى يَدَيْهَا عَلَى الْأُخْرَى»^۴؛

یعنی همین که یک دستش به دست دیگریش بزند، کافی است برای اینکه بتواند اجرت بگیرد. و در روایت دیگر نیز که از نظر سند صحیح است چنین آمده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «لَا بَأْسَ بِأَجْرِ النَّائِحَةِ الَّتِي تَنْوُحُ عَلَى الْمَيِّتِ»^۵؛

روایات دسته هفتم، روایات داله بر جواز اخذ ربای هر یک از زوجین از یکدیگر است که فرمود: «لَيْسَ بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَالَّذِي رِبًّا وَلَا بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَزَوْجِهَا رِبًّا»^۶ که این شامل هر دو طرف می شود، یعنی هم شوهر می تواند از زن ربا بگیرد و هم زن می تواند از شوهر ربا بگیرد.

۱. ما مرسلات ابن ابی عمیر را معتبر می دانیم.

۲. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۷۱، ح ۲.

۳. همان؛ ح ۱.

۴. همان؛ کتاب التجارة، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۷، ح ۴.

۵. همان؛ ح ۷.

۶. عوالی اللثالی؛ ج ۳، ص ۲۲۲.

و همچنین ربای بین پدر و فرزند نیز استثنا شده که از روایات این مجموعه استفاده می‌کنیم که در اسلام، خانواده را با یک نگاه، نگاه می‌کند که مالی که در این خانواده است، مال این خانواده است؛ لذا ربای آنها، از این جیب به آن جیب است. این نکته مهمی است که در اسلام به خانواده چنین نگاه شده است و یک نوع وحدت مالی در خانواده لحاظ شده است.

مجموع این روایاتی که خواندیم دال بر اطلاق صلاحیت‌ها و اختیارات مالی زوجه داشت به این معنا که تصرفات زن، تصرفات مشروع است و در اسلام به مالکیت او احترام گذاشته شده و برای او تصرف در اموالش به طور مطلق جایز است.

تاکنون دو مطلب در رابطه با اختیارات مالی زن را بررسی کردیم. مطلب سوم درباره استثنائات است که هرچند ادله‌ای وجود دارد که اطلاق در جواز تصرف زن در اموال خودش دارد؛ اما این حکم، استثنائاتی نیز دارد که در جلسه آینده بحث خواهیم کرد ان شاء الله که در روایات در موارد خاصی برای زن محدودیت‌هایی قائل شده است. کلیت این محدودیت‌ها در جایی است که با حقوق شوهر در تعارض باشد یعنی از روایات استفاده می‌شود که تصرف مالی زن در مال خودش محدود به آنجایی است که تصرفات مالی او با استیفای حقوق شوهر منافات نداشته باشد و یا با استقرار زندگی خانوادگی و بیت منافات داشته باشد که این بحث بیت را در آینده بیان خواهیم کرد که بیت محل زندگی است و احتیاج به مدیریت دارد و مدیریت بیت باید مدیریت ثابتی باشد و از ادله شرعی استفاده می‌شود که مدیریت بیت از آن زن است و این مدیریت نباید مضطرب باشد؛ مانند کسی که مسئول اداره است که باید سرکار خود باشد و اگر هر روز بخواهد سفر و اینور و آنور برود و در محل کار خود نباشد، مدیریت این اداره مدیریت تثبیت شده‌ای نخواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین